

داستان آخرین میراث‌دار باستان در مشهد

روایت ۵۰سال تلاش علمی دکتر رحیم عقیفی، استاد زبان‌های باستانی که جان‌بخش رشته‌ای به وسعت تاریخ ایران بود

دانشگاه مشهد، که امروز به نام دانشگاه فردوسی شناخته می‌شود،

ریشه در دهه ۱۳۱۰خورشیدی دارد؛ زمانی که نخستین جرقه‌های آموزش عالی در شرق کشور با تأسیس دانشکده پزشکی زده می‌شود. اما آنچه این نهاد علمی را به جایگاه امروزی خود می‌رساند، تأسیس دانشکده ادبیات در سال ۱۳۳۴ است؛ گامی که ساختار دانشگاهی مشهد را کامل می‌کند و زمینه را برای رشد علوم انسانی در این خطه فراهم می‌آورد.

در این میان، نام دکتر رحیم عقیفی به عنوان یکی از چهره‌های ماندگار و بنیان‌گذاران گروه زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد می‌رخشد. او که سال ۱۳۰۶ در شیراز زاده شده است، پس از طی مدارج علمی و کسب درجه دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران، از سال ۱۳۳۹ به دانشگاه مشهد می‌پیوندد و تدریس زبان‌های پیش از اسلام شامل اوستایی، فارسی باستان و پهلوی را همراه با درس زبان‌شناسی و فرهنگ ایران باستان بر عهده می‌گیرد. رشته «زبان‌شناسی و زبان‌های باستانی» که در سال ۱۳۳۶ به جمع رشته‌های دانشکده ادبیات اضافه می‌شود، عمدتاً با حضور و تلاش دکتر عقیفی معنا و استمرار می‌یابد.

این رشته تا سال‌ها به عنوان یک گرایش فرعی در دانشکده ادبیات باقی می‌ماند تا اینکه در سال ۱۳۶۴ با پذیرش نخستین گروه از دانشجویان کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی به عنوان یک گروه مستقل رسمیت پیدا می‌کند. اما با حذف تدریجی عبارت «زبان‌های باستانی» از نام رشته و سپس درگذشت دکتر عقیفی، این بخش مهم از میراث علمی دانشگاه برای همیشه تعطیل می‌شود. با این حال، آنچه از این استاد فقید بر جای می‌ماند، نقشی است که او در شکل‌گیری یکی از بینارشته‌ای‌ترین گروه‌های زبان‌شناسی کشور ایفا کرده است؛ گروهی که هنوز هم ردپای تلاش‌های او در آن دیده می‌شود.

امروز سی‌امین سالگرد وفات دکتر رحیم عقیفی است و همین بهانه‌ای شده تا به معرفی و خدمات این استاد برجسته بپردازیم؛ استادی که هیچ‌گاه به قدر تلاش‌هایش قدر ندیده است.



نخستین استادان در دانشکده ادبیات مشهد

مشهد یا دانشگاه فردوسی مشهد کنونی با ایجاد دانشکده ادبیات معنا می‌یابد. خبر تصویب تأسیس دانشکده ادبیات در شهر مشهد در همان نوروز سال ۱۳۳۴خورشیدی اعلام می‌شود. در این سال دکتر علی اکبر مجیدی فیاض، دانشمند و ادیب برجسته مشهدی و استاد تاریخ اسلام دانشگاه تهران، از طرف وزارت فرهنگ مأموریت یافت دانشکده ادبیات مشهد را تأسیس کند.

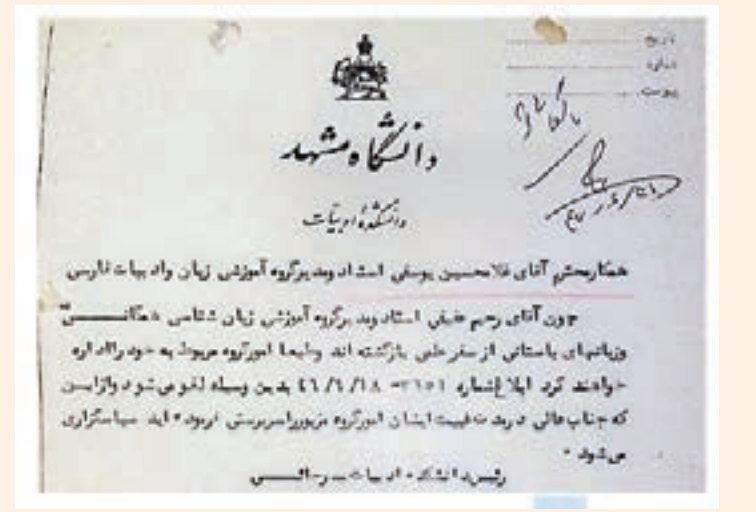
تأسیس دانشکده در شهری مذهبی و در شرایطی که قرار است دخترپسر در یک کلاس و در کنار یکدیگر بنشینند، معلمان خارجی زن و مرد غیرمسلمان در آن تدریس کنند و زبان خارجی هم در آن دانشکده تدریس شود،

برای برخی از شریعت‌مداران شهرامری درخور اغماض نیست اما دکتر فیاض که خود فرزند یکی از مراجع سرشناس مشهداست با کاردانی و با کمک مؤیدثانی، سناتورذی‌نفوذآن روزهای خراسان درانجام این مأموریت توفیق می‌یابد و دانشکده ادبیات با رشته «زبان و ادبیات فارسی» بنیان نهاده می‌شود.

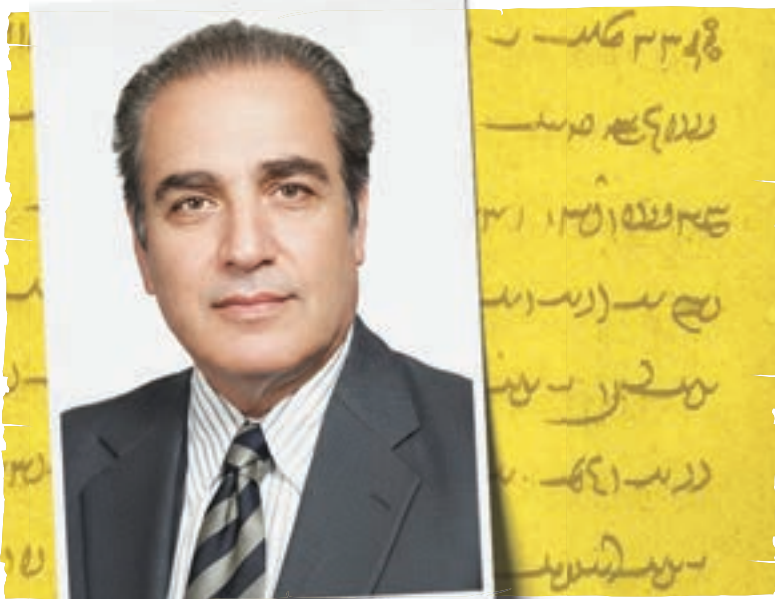
با انجام برنامه ثبت‌نام در دانشکده ادبیات و گزینش ۲۶دانشجوی واجد شرایط براساس مدارک و کارنامه تحصیلی، بدون آزمون ورودی (کنکور) نخستین جلسه درس این دانشکده روز ۱۱ آذر ۱۳۳۴خورشیدی و با تدریس دکتر فیاض و درس «صنایع ادبی» آغاز می‌شود. به مرور دکتر فیاض، استادانی را از مشهد و تهران برای تدریس دعوت می‌کند. سال بعد یعنی سال ۱۳۳۵ رشته‌های «زبان وادبیات انگلیسی و فرانسه» نیز شکل می‌گیرد. پس از گذشت یک سال دیگر رشته ترکیبی «تاریخ جغرافیا» نیز در این دانشکده آغاز به کار می‌کند. در همین سال ۱۳۳۶خورشیدی است که رشته «زبان‌شناسی و زبان‌های باستانی» نیز به جمع رشته‌های دانشکده اضافه می‌شود. این رشته همان رشته‌ای است که رحیم عقیفی آن را تدریس می‌کند.

از سال ۱۳۳۶خورشیدی تلاش تازه‌ای برای تبدیل آموزشگاه عالی بهداری به دانشکده پزشکی صورت می‌گیرد که موافقت هیئت دولت را در پی دارد و به تصویب اساسنامه دانشگاه منجر می‌شود. بالاخره در سال ۱۳۳۸خورشیدی باتشکیل این دانشکده گامی اساسی در راه شکل‌گیری نخستین دانشگاه در شرق کشور برداشته می‌شود.

چند سال بعد دکتر سامی‌راد، رئیس وقت دانشکده پزشکی را برنی‌هایی را با اداره فرهنگ آموزش و پرورش برای تأسیس دانشکده ادبیات انجام می‌دهد تا با افتتاح این دانشکده در کنار دانشکده پزشکی، ساختار دانشگاهی شکل بگیرد. به دنبال تصویب تأسیس دانشکده ادبیات مشهد در سال ۱۳۳۴ خورشیدی به ریاست دکترعلی اکبرمجیدی فیاض، «دانشگاه مشهد» با دو دانشکده پزشکی و ادبیات کار خود را پی می‌گیرد. در واقع تأسیس دانشگاه



نامه اداری بازگشت رحیم عقیفی از سفر علمی و فراغت غلامحسین یوسفی از مدیریت گروه زبان - ۳۰ شهریور ۱۳۴۷



مدرس زبان‌های پهلوی و فارسی باستان

می‌شود. دکتر عقیفی در این دوره همچنان هسته اولیه رشته زبان‌شناسی را تشکیل می‌دهد.

رشته زبان‌شناسی همچنان یک رشته فرعی دانشکده ادبیات است تا اینکه در سال ۱۳۶۴خورشیدی با پذیرش اولین گروه از دانشجویان زبان‌شناسی در مقطع کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی به عنوان یک گروه مستقل شناخته می‌شود.

این رشته در همین دوره با حذف عبارت «زبان‌های باستانی» به «زبان‌شناسی» تغییر نام می‌دهد، اما دروس مربوط به آن همچنان در دستور کار تدریس است تا اینکه سال‌ها بعد با مرگ دکتر عقیفی بخش «زبان‌های باستانی» این رشته کلاتعطیل می‌شود.

اگر گروه آموزشی زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد اکنون یکی از بینارشته‌ای‌ترین گروه‌های زبان‌شناسی در کشور است، به این دلیل است که اشخاصی چون دکتر رحیم عقیفی عمرشان را در این حوزه خرج کرده‌اند.



عکس مربوط به سال‌های بعد از انقلاب؛ از راست دکتر رحیم عقیفی، مهندس ندیمی و دکتر غلامحسین یوسفی

مردی میان بهشت و دوزخ مزدیسنا

رحیم عقیفی در ۵ فروردین ۱۳۰۶خورشیدی در شیراز به دنیا می‌آید. در دوسالگی پدرش را که میرزایی‌اش نام دارد از دست می‌دهد و تحت سرپرستی دایی‌اش عید... عقیفی قرار می‌گیرد که از آزادپخواهان خطه فارس است.

رحیم تحصیلات ابتدایی و دوره اول متوسطه را در شیراز و سپس دوره دوم متوسطه را در دبیرستان کشاورزی کرج می‌گذراند و در خرداد ۱۳۲۰ خورشیدی موفق می‌شود دبیرم کشاورزی فرانسه و انگلیسی می‌رود تا مطالعاتش را گسترش دهد. او در همکاری با مجله دانشکده ادبیات بسیار فعال است، چنانچه در مدت چهارده سال تعداد سی و اند گفتار از متون پهلوی را به فارسی ترجمه کرده است و با شرح و تفسیر در این مجله به چاپ می‌رساند.

دکتر عقیفی در سال ۱۳۴۲ خورشیدی «ارداویرافنامه (بهشت و دوزخ در آیین مزدیسنا)» و یک سال بعد نیز، «ارداویرافنامه منظوم زرتشت بهرام پژوه» را انتشار می‌دهد. از جمله دیگر آثار او تصحیح «فرهنگ جهانگیری» است که در سه جلد و در فاصله سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۴ خورشیدی در انتشارات دانشگاه مشهد منتشر می‌شود و مورد توجه و تحسین صاحب‌نظران قرار می‌گیرد تا آنجا که به سبب همین تصحیح برنده جایزه مسافرت تحقیقاتی دانشگاه مشهد به مدت پنجاه روز به اروپا و آمریکا می‌شود.

دکتر رحیم عقیفی در مهر ۱۳۵۸ بازنشسته می‌شود. دوران بازنشستگی این استاد برجسته را از مشهد دور می‌کند و از اردیبهشت ۱۳۵۸ به تهران می‌رود تا در این شهر فعالیت‌های علمی و پژوهشی خود را پی بگیرد.

از مهم‌ترین آثار ی که عقیفی در مدت اقامت در تهران منتشر می‌کند می‌توان به تصحیح «بهمن‌نامه» (منظومه‌ای حماسی از سده پنجم هجری)، «مثل‌ها و حکمت‌ها مشهد منتشر می‌شود و مورد توجه و تحسین «فرهنگنامه شعری» و «اساطیر و فرهنگ ایران در نوشته‌های پهلوی» اشاره کرد.

چشمه جوشان پژوهش‌های دکتر رحیم عقیفی در ۸ مرداد ۱۳۷۵ خاموش می‌شود و او بر اثر سکته قلبی وفات می‌یابد.

میراث علمی دکتر عقیفی به روایت دکتر محمدجعفر یاحقی استاد برجسته ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد:

احیاگر «فرهنگ جهانگیری»

در زمان دانشجویی من، درس‌های فارسی باستان، اوستایی و پهلوی طی سه سال در دانشکده ادبیات توسط دکتر عقیفی تدریس می‌شد. کلاس‌های ایشان با متانت خاصی برگزار می‌شد و دانشی که دکتر در آن زمان منتقل می‌کرد برای دانشجویان بسیار ناشناخته بود، از این رو، اینکه توانستیم در محضر ایشان چیزهای زیادی بیاموزیم، توفیق کمی نیست.

من افتخار این را داشته‌ام که در سه درس دوره کارشناسی با دکتر عقیفی کلاس داشته باشم و گمان می‌کنم علاقه بسیارم به فردوسی، شاعر فارسی‌زبان خراسانی، از دروس زبان‌های باستانی شکل گرفت که توسط استاد عقیفی تدریس می‌شد. به عبارت دیگر، مروج اصلی این علاقه قطعاً دکتر عقیفی بودند.

تخصص و تحصیلات دکتر عقیفی در حوزه ادبیات فارسی بود، اما ایشان به همراه دکتر زمردیان و دکتر مشکات‌الدینی، هسته اولیه رشته فرعی «زبان‌شناسی و زبان‌های باستانی» را در دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی تشکیل دادند. بخش «زبان‌های باستانی» این رشته با درگذشت دکتر عقیفی تعطیل شد، اما رشته زبان‌شناسی اکنون در دانشگاه فردوسی برپاست. از این جهت باید سیاست‌گذار ایشان باشیم که بنیان‌گذار گروه زبان‌شناسی و زبان‌های باستانی در دانشکده ادبیات بوده‌اند و آثاری نیز در همین باره به یادگار گذاشته‌اند.

از مهم‌ترین آثار ایشان می‌توان به «فرهنگ جهانگیری» اشاره کرد؛ فرهنگی بسیار مهم که پیش از آن تنها چند چاپ سنگی از آن موجود بود و برای محققان قابل استفاده نبود. به همین دلیل، دکتر عقیفی چندین سال پیایی برای تدوین و تصحیح این کتاب وقت گذاشتند تا سرانجام جلد اول آن در سال ۱۳۵۱ منتشر شد.

تصحیح و تدوین «فرهنگ جهانگیری» کاری بسیار عظیم است، چون کمتر کتابی در حوزه علوم انسانی به اهمیت و عظمت آن در چاپخانه دانشگاه فردوسی به چاپ رسیده است، چنان‌که همان زمان نیز در میان آثار دانشگاهی درخشش خاصی داشت. این فرهنگ بر اساس چهار نسخه خطی تصحیح شد تا نسخه‌ای بسیار نزدیک به زبان مؤلف فراهم شود. علاوه بر این، نگاه مقایسه‌ای عقیفی، اختلاف‌های چهار نسخه را نیز در باورقی آورده است همچنین می‌توان شواهد شعری بسیاری را دید که او بر «فرهنگ جهانگیری» افزوده است؛ موضوعی که اهمیت و ارزش این کتاب را چندبرابر کرده است.

از دیگر آثار استاد عقیفی می‌توان به تصحیح کتاب «بهمن‌نامه» اشاره کرد که از تصحیح‌های موفق در میان منظومه‌های حماسی گذشته و امروز است. این کتاب مهم بر اساس چاپ دکتر عقیفی حدود ۱۰ هزار و ۴۲۳ بیت دارد که ایشان با زهم با مطالعه دقیق چهار نسخه خطی آن را به ثمر رسانده و توانسته است مقدمه خوبی بر آن بنویسد و «بهمن‌نامه» را احیا کند. این کار استاد باعث شده است این کتاب تا امروز در دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی، به‌ویژه در گرایش ادبیات حماسی، استفاده شود.

در این میان نباید کتاب‌های «مثل‌ها و حکمت‌ها» و «فرهنگ‌نامه شعری» را فراموش کرد. متأسفانه آثار دکتر عقیفی شهرت علمی و عام پیدا نکردند و آن‌طور که شایسته این کتاب‌هاست، شناخته نشده‌اند. امیدوارم پس از این، توجه بیشتری به آثار ایشان شود و بیشتر پیش‌روی استادان و دانشجویان قرار گیرد.

مرور دکتر محمود جعفری، استاد زبان‌های باستانی دانشگاه تهران بر آثار دکتر عقیفی در حوزه ایران باستان:

سه گانه حکمت ایران شهری

آثار دکتر عقیفی را می‌توان به دو دسته بخش کرد؛ دسته نخست، آثاری که صرفاً به ادبیات دوره اسلامی اشاره می‌کند و دسته دیگر که به ایران باستان مربوط است. منابع ایران باستان از چند جنبه بررسی‌شدنی است که مهم‌ترین این منابع، کتاب اوستا و ترجمه‌های اوستا معروف به زند و یازند است.

حال این پرسش مطرح می‌شود که چه انگیزه و دلیلی وجود داشت که این استاد بخشی از زندگی خود را صرف شناخت این دوران کرد؟ بر اساس منابع یادشده، و به عقیده من آثار استاد عقیفی در سه دوره قابل بررسی است؛ دوره نخست اسطوره آفرینش، دوره دوم مردم و مسئولان مردمی و دوره سوم فرجام حیات و رستاخیز پس از مرگ است

جهان‌بینی مغان ایرانی چنان تأثیری بر دین ایرانیان نهاد که حتی منابع یونانی در سه، چهار قرن پیش از میلاد، «زرتشت» را «مهر» خطاب می‌کردند. پیش از اینجمن مغان و ایجاد مکتب ایرانی با نام مکتب «ایران شهری»، ایرانیان به خدایان گوناگونی اعتقاد داشتند، یکی از مسائل مهم رخ‌داده در این مکتب این بود که یکی از ایزدان به نام «اهورامزدا» به عنوان ایزد یکتا معرفی شد و ایرانیان توانستند برای نخستین‌بار، فرهنگی توحیدی را در این سرزمین ایجاد کنند، بنابراین ایزدان دیگر به عنوان ایزدان و فرشتگان مقرب این پروردگار تلقی شدند.

پس همان‌طور که گفته شد آثار این حکمت ایران شهری بنابر اسطوره آفرینش در آغاز جهان، جهانی روشن، بدون اهریمن و آسیب و سراسر نور بود. اهورامزدا در این جهان فرمانروایی می‌کرد و در همان زمان بود که اهورامزدا آفرینش‌مغنی خودش را ایجاد کرد و در واقع الگوی آفرینش شد. در همین زمان بود که گروهی اهریمنی به وجود آمده و سعی در از بین بردن الگوی آفرینش داشتند. پس اهورامزدا جهان مادی را به وجود آورد؛ آفرینش جهان مادی با هدف مبارزه با شر، مبارزه با فساد و هرگونه پدیده اهریمنی بوده است. این مطلبی است که در کتاب «اساطیر و فرهنگ» استاد عقیفی به خوبی منعکس شده است. بخش دیگری که به این قسمت مربوط می‌شود اندر زهاست، استاد عقیفی تعدادی از اندرزهای ایرانی را در کتاب «اساطیر و فرهنگ» آورده است. میحث اندر زها بسیار میحث مهمی است؛ چرا که جهان‌بینی ایرانی‌ها معیارهای آن‌ها را برای زندگی به خوبی منعکس می‌کند. اندرزها معمولاً از طریق شاهان یا روحانیون یا بزرگان حکومتی نقل می‌شده است، مهم‌ترین این اندرزها که در کتاب استاد آورده شده، اندرز مهراسپندان بوده که یکی از مهم‌ترین اندرزهای باقی‌مانده از دوره باستان است.

بخش فرجام که بخش سوم بوده و اعتقاد به موعود در همان زمان حکمت ایران شهری نیز وجود داشته است. ایرانیان به موعود معتقد بودند، نجات‌دهنده انسان در آخر کار ظهور می‌کند و به کمک قهرمانان، پهلوانان ایرانی و گروهی که در واقع نجات‌بخشان هستند با اهریمن و دیوان که متعلق به دشمن هستند می‌جنگند و به این ترتیب تمام پدیده‌های اهریمنی به دست نجات‌دهندگان انسان نابود می‌شوند.

دیگر اینکه آثار دکتر عقیفی سراسر وطن‌پرستی است و توجه به ارزش‌های اخلاقی در جای جای آن‌ها دیده می‌شود.

شهریار

شنبه ۸ مرداد ۱۳۹۵
شماره ۴۲۲

۱۵



تاریخ و هویت

→

منبع، کتاب «تاریخ

ادبیات و علوم

انسانی دکتر

علی شریعتی

(دانشگاه

فردوسی

مشهد)

۱۳۳۴-۱۴۰۰

→

منبع، کتاب «تاریخ

ادبیات و علوم

انسانی دکتر

علی شریعتی

(دانشگاه

فردوسی

مشهد)

۱۳۳۴-۱۴۰۰

→

منبع، کتاب «تاریخ

ادبیات و علوم

انسانی دکتر

علی شریعتی

(دانشگاه

فردوسی

مشهد)

۱۳۳۴-۱۴۰۰

→

منبع، کتاب «تاریخ

ادبیات و علوم

انسانی دکتر

علی شریعتی

(دانشگاه

فردوسی

مشهد)

۱۳۹۵-۱۳۹۸